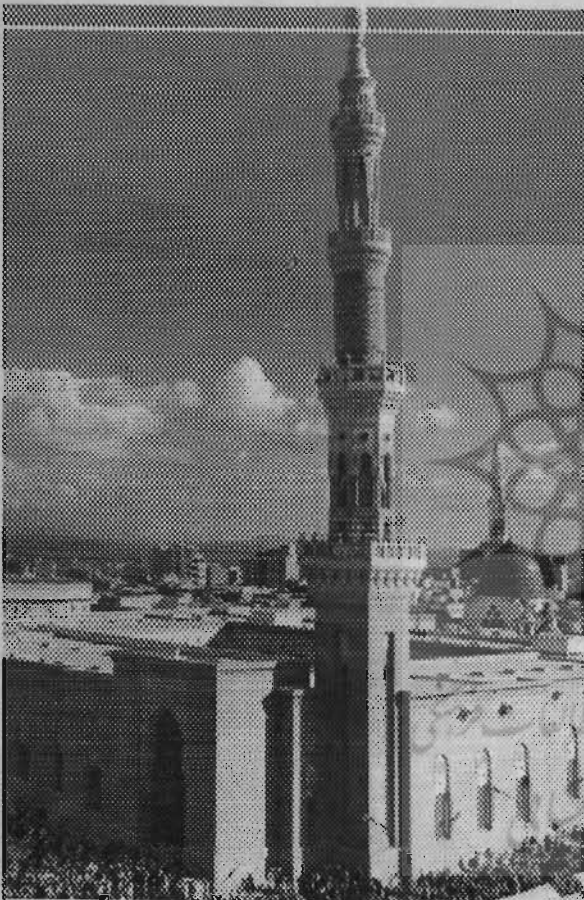


پیدایش هنر اسلامی (۱)

یدالله غلامی



امروزه معمولاً استنباط عمومی از تعبیر «هنر اسلامی» بیشتر بر محتوی ناظر است تا قالب، و هنر اسلامی هنری محسوب می‌شود که محتوایش با اسلام و فرهنگ آن ارتباط مستقیم دارد. اگر یک معمار مسجد بسازد، یک نقاش واقعه غدیرخم را تصویر کند، خطاط آیه‌ای از قرآن بنگارد، هنرمند تئاتر، نمایشی درباره عام‌القیل بر صحنه ببرد، شاعر شعری در نعت پیامبر بسراید، ... هنر هریک از آنها وجهه‌ای بارز از دین داشته، و «اسلامی» به‌شمار می‌رود. اما هنر اسلامی، مفهومی دیگر هم دارد. از زمانی که تحقیقات باستان‌شناسی و شرق‌شناسی نضج گرفت محققین غربی در پی پژوهشهای اسلام‌شناسی تدریجاً به شاخه‌های خاص فرهنگ و تمدن اسلامی و از جمله هنر توجه کردند. تحقیق در مورد هنر اسلامی که برخلاف رشته‌هایی چون تاریخ‌نگاری کمتر مبتنی بر کتب و مدارک نقلی و بیشتر مبتنی بر خود آثار و اشیاء باقی‌مانده بوده است، کم‌کم تکوین یافته، و مباحث آن طبقه‌بندی شد و مورد بررسی قرار گرفت، و اکنون این مطالعات ادامه داشته و همواره در حال پیشرفت است.

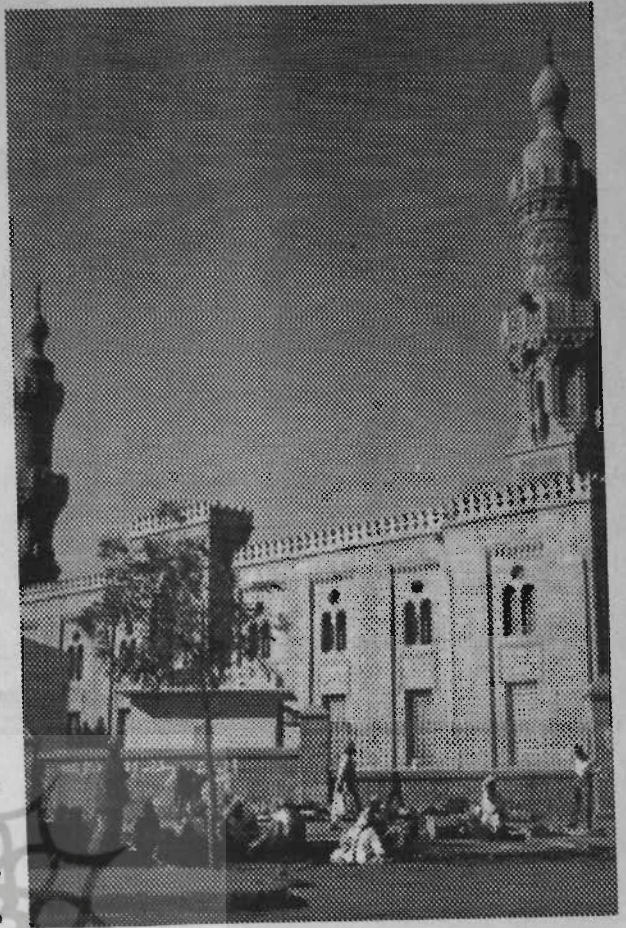
مدتهاست که هنر اسلامی در زمره موضوعات قابل ملاحظه در زمینه شرق‌شناسی قرار گرفته و از جنبه‌های پژوهشی و آموزشی برخوردار است و در دانشگاه‌های غربی و اسلامی تدریس می‌شود. از این لحاظ هنر اسلامی به‌عنوان تاریخ و سرگذشت هنرهای - اغلب - تجسمی که در سرزمینهای اسلامی بدان پرداخته شده است شناخته می‌گردد، و صرف نظر از محتوی، ما در بررسی تاریخ هنر اسلامی اغلب

با قالب‌هایی روبرو هستیم که تعلق به مسلمین دارد، و توسط ملل اسلامی ابداع شده و یا تکامل یافته است. برای مثال مللی که به دین اسلام درآمدند در معماری مساجد خصوصیات هنر خود را هم علاوه‌بر در نظرگرفتن جنبه‌های کاربردی بنا که با فرهنگ اسلامی ارتباط دارد، دخالت دادند و سرانجام حاصلی قابل توجه عرضه کردند. وجود فنون و تزیینات ساختمانی ایرانیها آشکارترین گواه در این خصوص است. همچنین در باب تصویرگری حد و مرزی که برخاسته از فرهنگ و اندیشه مسلمین بود نقاشی را به سمت و سوی خاص و متناسب با

آن فرهنگ و اندیشه سوق داد و سپس این هنر در برخورد با همتای خود در نزد دیگر اقوام (مثلاً چین‌ها) ساختارهایی منحصر به فرد یافت. در عین حال محدودیتهایی که از جانب علمای دین برای تصویر کردن موجودات زنده منظور شده بود منجر به رونق نقوش تزیینی و سمبولیک در هنرورزی مسلمین و رشد و شکوفایی بسیار زیاد آن شد، و این مطلب از مشهورات مربوط به هنر اسلامی است.

بررسی تاریخی این قبیل موضوعات و هم آنکه در هر دوره و مکان چگونه مسلمین به هنر پرداختند و در دل این سبک بزرگ هنری چه سبک‌های کوچکتری را پدید آوردند، مشمول همان موضوع علمی هنرهای تجسمی در عالم اسلام است. البته دیگر شاخه‌های عمده هنر یعنی ادبیات و موسیقی غالباً جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در مجموعه فرهنگ و تمدن اسلامی هنر



جایگاهی خاص دارد. فرهنگ اسلامی که در درجه اول به عنوان یک دین طبعاً متضمن الوهیت است و توسط پیامبر به مردم ابلاغ شده است و مفاد آن را اعتقاداتی خاص دربردارد، اساس رشد و تکامل جوامعی واقع شد که دین اسلام را پذیرفته بودند. آنگاه این جوامع به میراثهای فرهنگی خود پرداختند و تمدنی عظیم پدید آوردند که بعدها به طرقي از جمله حضور مسلمین در اسپانیا و وقوع جنگهای صلیبی منبع تغذیه فکری اروپا گردید. تمدن اسلامی در قرون سوم، چهارم و پنجم ق به اوج شکوه خود رسید. این تمدن مرکب از صورتهای مختلف علمی، آموزشی، سیاسی، تربیتی، پژوهشی و غیره بوده و هنر نیز در این میان بسته به پاره ای مقتضیات جزء ارکان تمدن اسلامی قرار یافته است. از همان قرون اولیه اسلامی هنرمندان معمار بیش از هر نوع بنا به ساختن مساجد شکوهمند پرداختند که طبیعتاً ارجمندترین مکانها در هر آبادی بود. بسیاری

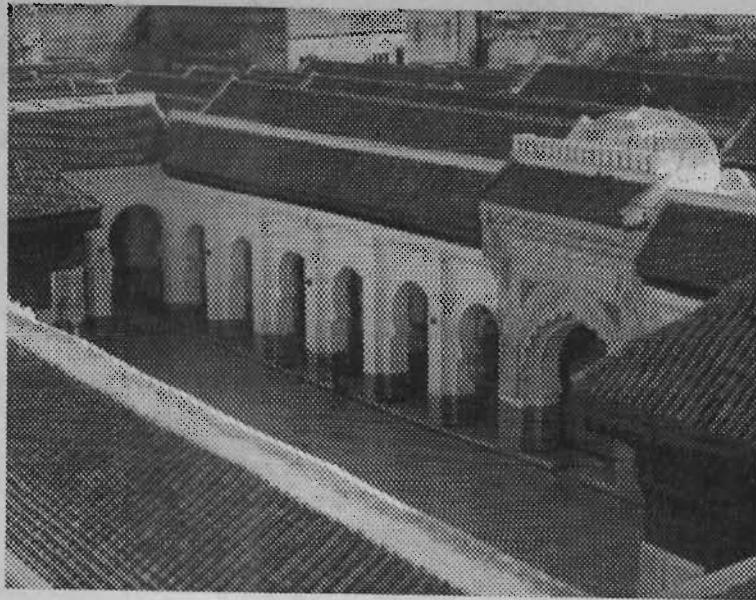
از این مساجد، هم نمونه های عالی هنر معماری بوده اند و هم مجموعه ای فراهم آمده از سایر هنرها. نقوش تجریدی و یا کتیبه های خطاطی در قالبهایی تزینی چون کاشی کاری و آجرکاری دیوارهای آنها را زینت می داد، در شبستانها نمره کار هنرمندان قالی باف گسترده می شد، و جلجراغهای مسجد محصولاتی زیبا از ساخته های فلزکاران بود. در کتابخانه ها و مراکز علمی که وجود آنها خود نشانه هایی دیگر از تمدن اسلامی بوده است کتاب سازی رونق گرفت که آن هم مشتمل بود بر گروهی از هنرها و نتیجه کار گروهی از هنرمندان. در کار ساخت کتابها هنرمندان نقاش، تذهیب کار، خطاط و صحاف دخالت داشتند. همچنین هنر در زندگی روزمره عامه مردم نقش داشت. هنرمندان سفالگر ظروفي می ساختند که در تناسب آنها مهارت به کار رفته و لعابکاری و نقوش و نوشته های آنها جلوه گری هنری کار را افزون ساخته است. بهترین نمونه های سفالینه در دربارهای حکومتی استفاده می شد و یا به عنوان کالاهای تجاری به سرزمینهای دور صادر می گشت. فلسفه هنر اسلامی را محققین معمولاً براساس فرهنگ و عقاید اسلامی توضیح داده اند. برای نمونه می توان دیدگاهی را که راجع به نقوش تجریدی و انتزاعی وجود دارد مطرح کرد. تصاویر انتزاعی یکی از عناصر اصلی هنر اسلامی هستند که در کاشی کاری دیوارها و گنبد مسجد، نقوش قالبیها، سطح ظروف و اشیاء فلزی و چوبی و غیره فراوان به کار می روند. اجزاء نقوش در اکثر اوقات

متقارن هستند و با تکرار خود مجموعه ای واحد به وجود می آورند. با عنایت به اینکه حکما گفته اند کثرت موجودات تعینی از وحدت الهی است، نقش و نگار در هنر اسلامی به خوبی توأمان وحدت و کثرت را به نمایش می گذارد و در این مورد امکان پذیر است که نحوه کار هنرمندان متقدم و پیش کسوت برخاسته از اندیشه و ذوق خود آنها بوده، و به دنبال آنها آثارشان مورد اقتباس دیگر هنرمندان مسلمان قرار گرفته است. به علاوه با توجه به نظرات بعضی فلاسفه و متفکرین که تجرید و سمبولیسم در هنر نشانه کمال آن است می توانیم نقش و نگار و گل و بوته آثار هنری مسلمین را که از نظر فنی بسیار پیشرفته است علامت کمال و غنایی فوق العاده در هنر اسلامی بدانیم.

* * *

با توجه به اینکه زادگاه جغرافیایی اسلام شبه جزیره عربستان است نحوه ارتباط هنر اسلامی با هنر و تمدن موجود در این سرزمین، در بررسی پیدایش هنر اسلامی قابل ملاحظه است. در تاریخ بسیار دوردست جزیره العرب از وجود اقوامی سخن رفته است که روزگاری در این منطقه می زیستند و سپس از میان رفته اند، و از این رو آنها را *اعراب پانده* (ناپود شده) نامیده اند. اقوام عاد و نمود که در قرآن از آنها یاد شده جزء این دسته بوده اند. همچنین در تاریخ باستانی عربستان یعنی دوران قبل از میلاد مسیح خبر از مردمانی داریم که بعضاً تمدنهایی درخشان به وجود آوردند و آثار و نشانه های این تمدنها امروز به وضوح آشکار است، و مورد بررسی باستانشناسان قرار گرفته است، مانند قوم سبا که در جنوب عربستان به سر می بردند و ماجرای ملکه آنها در زمان سلیمان نبی از وقایع معروف دینی است. آثار باقی مانده از هنر و معماری قوم سبا حاکی از تمدن پیشرفته آنهاست. با این حال عربستان در قرون نزدیک به ظهور اسلام دیگر آن عربستان پیشرفته باستان نیست و تمدنهای کهن این منطقه مضمحل شده اند. عربستان در این دوره همان سرزمین مشهور جاهلیت است. صرف نظر از زندگی محدود شهرنشینی و

کشاورزی، زندگی باده نشینی با فرهنگ خاص خود در این زمان جلوه بارز دارد و مهمترین سیمای فرهنگ باده نشینی تعصب قبیلله‌ای است. به طور کلی عربستان عهد جاهلیت چندان ارتباطی با فرهنگهای باستانی شبه جزیره ندارد و از روق آنها بی بهره است، و این مطلب درباره هنر هم صدق می کند. در این هنگام پرداختن به



محافظة قرار داد و موسیقی مثبت را حلال شمرد. پس از دوره صدر اسلام که حکومت در اختیار افراد فاسق قرار گرفت و تصویرگری را وسیله آفرینش قبايح قرار دادند و موسیقی را در خدمت عیاشی گرفتند، حضرات معصومین (علیهم السلام) نمی توانستند موضوع را مورد تأیید قرار دهند. اگرچه در دوران خلفای

هنر تجسمی ناچیز است (در کاوشهای کنونی باستانشناسی به ندرت چیزی که حاکی از هنرهای تجسمی اعراب باشد به دست آمده است). موسیقی که با محافل و مجالس آنها تناسب دارد نسبت به هنر تجسمی در وضع بهتری است. اما شعر که با فرهنگ قبیلله‌ای بسیار سازگار است به کلی سایر هنرها را تحت الشعاع قرار می دهد و شعرا یا شور فراوان به مدح رئیس طایفه یا هجر دشمن یا مرثیه عضو قبیلله یا رجزخوانی جنگ یا غزل سرایی برای معشوقه یا ... می پردازند، و همین نشان نیرومند فرهنگی، خود از عواملی است که کیفیت نشر قرآن را برای معارضه با فرهنگ جاهلی ایجاب کرده است. با این همه می بینیم که هنر تجسمی جایگاهی قابل توجه ندارد در حالی که اکثر قریب به اتفاق مباحث در مقوله علمی و رسمی «هنر اسلامی» مربوط به هنر تجسمی است. بدین ترتیب جستجوی ریشه های هنر اسلامی در عربستان چندان موردی نمی یابد.

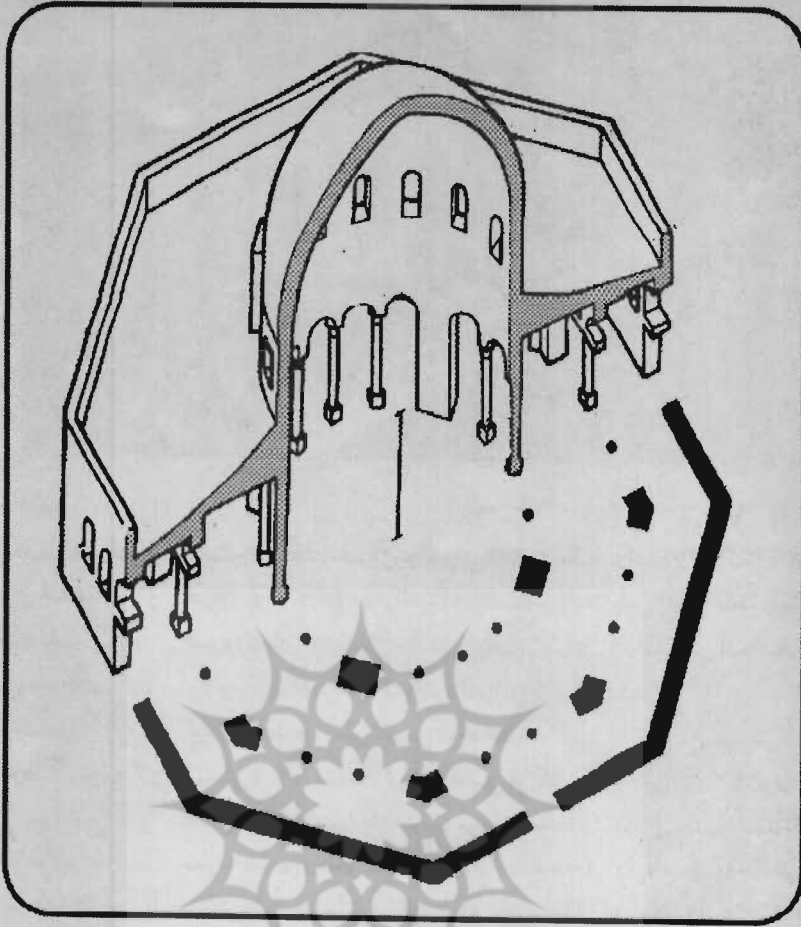
ظهور اسلام نه تنها به منزله خط بطلانی بر تمام سنن سیئه «جاهلی» بلکه خط بطلانی بر تمام سنن سیئه غیر انسانی بود. مقابله اسلام با تجمل پرستی، اسراف و اتراف، و بی مبادیت، و هر نوع موهوم گرایی ملازمت با فرهنگی بخصوص داشت. فقدان این عطل که گاه

به صورت منشأ هنرورزی درمی آید از یک طرف، و از طرف دیگر اشتغال مسلمین به ضرورت های آن عصر حساس فرصتی برای پرداختن به متفرعات به وجود نمی آورد. قرآن به عنوان منبع اصلی تبیین دین، خطوط کلی زندگی و راه رستگاری را تعیین می کرد و ملاک های کلی امروز را به دست می داد. سنت و سیرت پیامبر و سایر متعوضین (از دید شیعه) بیشتر وارد جزئیات می شد و به حل مسائل کمک شایانی می کرد. آورده آمد که پیامبر به شدت از زخملات و روایت غیر لازم اجتناب داشت و حتی پیشهاد بعضی مسلمین را در خصوص وسعت مسجد النبی در مدینه قبول نکرد. رویش بر خورد پیامبر تا آنچه هنر محسوب می شود بستگی به موازید موضوع داشت. در قرآن از شعرا مذمت شده اما پیامبر آن را تخصیص داده بود. از تمام آنچه به پیامبر وحی شد هیچ آیه ای در نهی تصویرگری (نقاشی و مجسمه سازی) و موسیقی صراحت نداشت و آنچه بکنایه آسانی را به عنوان سند نهی تصویرگری و موسیقی عرضه کرد تفسیری بود که سالها بعد از قرآن انجام شد. پیامبر تصویرگری را در صورتی منع می کرد که منجر به بت پرستی و موسیقی را در صورتی منع می کرد که منجر به ارتکاب مخرمات باشد. در عین حال بنا به روایاتی تصویر دینی را مورد

راشدین (۱۱-۴۱ ق) هم اصول اسلامی کم و بیش پایدار ماند، به محض غصب خلافت توسط خاندان بنی امیه اسلام به سرنوشتی غمبار دچار شد. تاریخ سیاسی بنی امیه تاریخ حماقت و خیانت بود. مع الوصف انگیزه های جاهلانه آنها تاملی جالب دید آورده. امویان جامعه اسلامی را به سنت های جاهلی بازگرداندند و عرض عرب و تعصب قبیلله ای را احیاء کردند، و به شعرا هم میدان دادند. انگیزه های رقابت با غیر عرب، تجمل گرایی، سیاست، علائق فردی، و غیره موجب آن شد که امویان آثار هنری چشمگیری به وجود آورند. آنها بنای با شکوه «قبه الصخره» را در محل قبله اول مسلمین برپا داشتند تا مردم را از سفر به مکه که در اختیار رقبای سیاسی شان بود منصرف سازند. ولید بن عبدالملک «جامع دمشق» را ساخت تا برای مسیحیان ساکن این شهر قدرت نمایی کند. ساختمان «مسجد اقصی» هم یکی از محصولات علاقه شخصی او به معماری بود. کاخ «خریبه الصفخر» نمره تجمل پرستی و افر برادرش هشام به شمار می رود. «قصر المشتی» از جمله قصرهای بیابانی امویان بود که خلق و خوی باده نشینی آنها را ارضاء می کرد. فحوا ی صورتگری آنها شهوانیت بود (مانند نمونه موجود در «قصره عمره» و عیش و

عشرتشان موسیقی درباری را پر و بال بسیار داد چنان که ابن مسیح پدر موسیقی عرب در دستگاه آنها نشو و نما یافت.

دریافتیم که «هنر اسلامی» را می‌توان دارای معانی مختلف دانست: هنری که مورد قبول اسلام است؛ هنری که با اسلام ملازمه دارد و هنری که متعلق به تمدن اسلامی است. این معانی، هم با یکدیگر متفاوت هستند و هم مرتبط. آنچه به‌عنوان سیمای علمی هنر اسلامی شناخته می‌شود عمدتاً ناظر بر هنری است که به حوزه تمدن اسلامی تعلق دارد، و روند عملی هنر در عالم اسلام را - مانند آنچه در بارگاه خلفای اموی می‌گذشت - دین اسلام همیشه تأیید نکرده است.



اولی‌ترین سرچشمه تاریخی و عینی هنر و معماری اسلامی قرار داده است. تأثیرپذیری و قسمتهایی از قصرهای آن هنوز باقی است. در این شهر دو مسجد بسیار بزرگ ساخته شد که از خصوصیات قابل توجه آنها شکل حلزونی مناره است. منشأ شکل این مناره‌ها آتشیگاه‌های ساسانی است. قصر و قلعه عظیم «أخضر» هم منتسب به معماری دوره عباسی و از آناری است که صدمه بسیار ندیده است. دارای بخشهای مسکونی و اداری، گرمابه، نمازخانه، بزم‌خانه، و حرمراس است. علاوه بر آثار به جا مانده، در بغداد و سایر نقاط عراق عماراتی دیگر وجود داشته که اکنون فقط اسمی از آنها باقی است.

نهضت علمی

چشمگیر در اوایل عهد عباسی واجد تبعات هنری جالبی بود. در مراکز تحقیقی و کتابخانه‌ها فعالیتی شگفت در زمینه ترجمه و تألیف کتب وجود داشت. این کتب گاه دارای موضوعاتی مانند داروسازی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، طب، ... بودند که وجود تصویر را ایجاب می‌کرد. در نتیجه تصویرگری در بسیاری تازه یافت شدند؛ و علاوه بر موارد یاد شده کتب تاریخی، ادبی، نجومی، ... هم مصور می‌گردید. بدین ترتیب منکبتی در بغداد به وجود آمد که متأثر از نه‌تأم منکبت بنگالی عراقی می‌توانیم نقاشیهای این منکبت ساده و فاقد بعد نقاشی و گاه دارای عناصر رومی و ایرانی بود. همین‌طور زمینه برای ترین حواشی کتب یعنی هنر تذهیب به وجود آمد. در دوران عباسیان «اقلام سته» که از خط کوفی اخذ

عباسیان از تمدن ایرانی منبعت از ارتباط بینایی و اجتماعی قومی آنها با ایرانیها و در عین حال قرابت جغرافیایی مرکز حکومتشان یعنی بغداد به ایران بود. بغداد را ظاهراً با توجه به معماری و شهرسازی مرسوم در ایران زمان ساسانیان به صورت منور ساختند. قرارگاه خلیفه در مرکز شهر بود و توسط چهار خیابان از منطقه مسکونی گذشته به دروازه‌ها می‌رسید. حاده‌هایی که از این دروازه‌ها آغاز می‌شد روبرو سوی نواحی مختلف داشت. شهر بغداد سپس در طی دوران طولانی حکومت عباسیان دچار لطیفاتی شد و پیش از هر موقع در حمله سربازان هولاکوخان مغول صدمه دید، و نسکته آن قتل عام شدند (۶۵۶ ق). بنی عباس مدتی ستم را بنایتخت خود قرار داده بودند. شماره در دوره معتصم عباسی با استفاده

هنر دوره اموی بخصوص در زمینه معماری، به سبب نزدیکی مقر حکومت امویان یعنی سرزمین شام به امپراتوری روم شرقی، از هنر رومی تأثیر پذیرفته و بدین سان روم را در عداد سرچشمه‌های تاریخی و عینی پیدایش هنر و معماری اسلامی قرار داده است. علاوه بر این بررسی هنر اموی ما را به دو موضوع درباره تکوین هنر اسلامی زهنمون می‌شود: یکی اینکه در سبک عظیم و جهانی هنر اسلامی، از همان اوایل انگیزه‌های غلط و انگیزه‌های بیهوده پدیدار است. دیگر اینکه هنر اسلامی بیشتر از لحاظ بحث در فرهنگ اسلامی و طرح تمدن اسلامی مورد نظر است. بعد از زمان امویان یعنی در دوره خلافت عباسی، هنر اسلامی به عنوان تابعی از تمدن این دوره، از هنر ایرانی تأثیر پذیرفته و ایران را



شهر قیروان بود و ماحصل آن با هنر اندلس درآمیخت و به صورتی تازه تر برآمد. عوامل تشکیل دهنده هنر اسلامی مصر ویژگیهای آفریقایی، مسیحی، قبطی و - بیش از اینها - عربی بود، اما کارگزاران و هنرمندان مصر بیش از هر جا به ایران نگریستند و سرانجام قاهره را به صورت دارالآثار کبیر هنر اسلامی درآوردند. ترکان عثمانی هنری پدید آوردند که در کنار مکاتب عربی و ایرانی یکی از سه مکتب عمده هنر اسلامی گردید. نمونه‌های فراوانی که مسجد سلیمیه در رأس آنها قرار دارد و همچنین پدیده‌هایی چون مکاتب نقاشی و موسیقی ترکی شواهد اهمیت سبک عثمانی هستند. معماری، نقاشی و صنایع مستظرفه هند نیز مجموعه‌ای است واحد که آن را می‌توان در آن واحد، اسلامی، ایرانی و هندی شمرد. تاج محل معروفترین بنادر دنیای اسلام و یکی از مشهورترین آثار هنری در تمام جهان است.

(ادامه دارد)

جریانات گوناگون در گستره جهان اسلام ریشه دوانید و درحالی که در جریان تکاملی مکانی و زمانی خود تنوع بسیار یافت چهره‌ای واحد و سترگ عرضه کرد. این چهره سنگین از شبیه جزیره ایبری تا شبه قاره هند نمایش یافت، و از این کرانه پهناور فراتر رفت و ثمرات خود را در هریک از سرزمینهای اندلس، آفریقه، مصر، عثمانی، هند و ایران به رنگی ارائه داد.

هنر اسپانیای اسلامی ابتدا رد پای شام را تعقیب کرد و آنگاه با خصوصیات مسیحی و سلیقه‌های آفریقایی اختلاط یافت. قصر الحمراء اسپانیا از مشهورترین آثار هنری در جهان اسلام است. هنر آفریقایی شمالی (آفریقه و مغرب) از پیوند هنرهای شام و اندلس حاصل شد. سرمشق این هنر مسجد

شده بود سر و سامان یافت و خطاطانی مثل ابن مقله، ابن یوآب و یاقوت مستعصمی ظهور کردند و شهرت بسیار یافتند. تزینات ساختمانی و صنایع نساجی، سفالگری، فلزکاری، شیشه‌گری و غیره به وفور رونق پیدا کرد. موسیقی متقن در این هنگام ضعیف شد و موسیقی سبک جای آن را گرفت. با این حال فرهنگ صوفیه به موسیقی نیرو بخشید. مکتوبات غزالی، کنسلی، فارابی و ابن سینا یادگارهای موسیقیایی این دوره هستند.

بدین ترتیب بنا بر آنچه تاکنون به عنوان رئوس مطالب مربوط به پیدایش هنر اسلامی مطرح شد، می‌توان تاریخ پیدایش هنر اسلامی را در قرون اول، دوم و سوم ق جستجو کرد. هنری که در اوایل کار خود چنین صورتی داشت طی